



دانشگاه اراک

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

تحلیل ساختاری و محتوایی دیوان فروغی بسطامی

پژوهشگر:

فهمیه کوشکی

استاد راهنما:

دکترسیده زهرا موسوی

استاد مشاور:

دکتر محسن ذوالفقاری

تابستان ۱۳۹۰

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل ساختاری و محتوایی دیوان فروغی بسطامی

توسط:

فهمیه کوشکی

پایان نامه

ارائه شده به مدیریت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از فعالیت های تحصیلی

لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

از

دانشگاه اراک

اراک-ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: کارشناسی ارشد
دکترسیده زهرا موسوی (استاد راهنما)..... استادیار

دکتر محسن ذوالفقاری (استاد مشاور)..... دانشیار

دکتر امین رحیمی (داور)..... استادیار

تابستان ۱۳۹۰

سپاسگزاری:

به رسم ادب و احترام؛

مراتب سپاسگزاری و کمال امتنان خود را از گروه محترم زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه تقدیم می دارم .

بویژه از **خانم دکتر موسوی** استاد راهنمای بنده در این پژوهش صمیمانه
تشکر نموده و از ایشان که در مسیر نگارش پایان نامه ، مشفقانه مرا راهنمایی
کرده اند قدردانی می نمایم .

همچنین از **آقای دکتر ذوالفقاری** که ارشاد های راه گشای ایشان یاری گر بنده
بوده است نهایت سپاس و تشکر را دارم.

تقدیم

به

پدر و مادر عزیزم، آنهایی که تمام خود باوری و اعتماد به نفسم از وجود پربرکت آنهاست.

و به

زیباترین موهبت خدا نسبت به من،

همسرم، که نگاهش امید من و وجودش مایه افتخار من است.

چکیده:

تحلیل ساختاری و محتوایی دیوان فروغی بسطامی

توسط:

فهمیه کوشکی

فروغی بسطامی از شاعران دوره ی قاجار (قرن ۱۳) است ، که مهم ترین هنر او در غزل سرایی است . دیوان او مشتمل بر دو نوع غزل است : ۱- عارفانه ۲- عاشقانه ، او در غزلسرایی از شیوه ی شاعری سعدی و حافظ پیروی کرده است ، با این وجود ، دیوان غزلیات او دارای ویژگی ها و مشخصات بارزی است که می توان آن را به عنوان مختصات سبکی این شاعر بزرگ دوره ی بازگشت ادبی در نظر گرفت.

این پایان نامه که با عنوان ((تحلیل ساختاری و محتوایی دیوان فروغی بسطامی)) ارائه شده است، در قسمت کلیات به معرفی و تعاریف کلی از سبک ادبی ، و بررسی دوره ی بازگشت ادبی با توجه به این تعاریف پرداخته است . همچنین درباره ی اوضاع شعر وادب دوره ی قاجار ، موضوعات مختلف شعری این دوره و مختصری از زندگی نامه ی فروغی بسطامی نیز مطالبی بیان گردیده است .

در ادامه ، دیوان فروغی بسطامی از لحاظ ساختاری و محتوایی مورد تحلیل قرار گرفته است ، بخش ساختاری شامل سه فصل : ۱- بیان ۲- موسیقی ۳- رد پای سبک هندی در دیوان فروغی و بخش محتوایی مشتمل بر چهار فصل ۱- بررسی روانشناختی ۲- تجلی عرفان در دیوان فروغی ۳- بررسی جامعه شناختی دیوان فروغی ۴- مدح می باشد . و در پایان از بررسی های به عمل آمده نتیجه گیری شده است .

کلید واژه ها : سبک ، دوره بازگشت ادبی ، تحلیل ساختاری ، بیان ، موسیقی ، تحلیل محتوایی ، عرفان ، مدح

۱	پیشگفتار
	کلیات
۳	سبک
۶	تاریخچه و علل پیدایش دوره ی بازگشت ادبی
۷	جایگاه دوره ی بازگشت به عنوان سبک ادبی
۹	وضع شعر و ادب در دوره ی قاجار
۱۰	موضوع شعر در دوره ی بازگشت
۱۱	قالبهای شعری در دوره ی بازگشت
۱۲	زندگی نامه و آثار فروغی
	بخش اول : تحلیل ساختاری
۱۷	فصل اول: بیان
۱۹	تشبیه
۱۹	تشبیه به صورت اضافی
۲۱	تشبیه مضمّر و تفضیل
۲۳	استعاره
۲۴	انواع استعاره
۲۴	استعاره ی مکنیه یا بالکنایه
۲۷	کنایه
۲۷	انواع کنایه از لحاظ وسایط و لوازم
۳۰	مجاز

۳۴	فصل دوم: موسیقی
۳۵	موسیقی
۴۲	موسیقی بیرونی
۴۵	نقد موسیقی بیرونی اشعار فروغی
۴۶	ویژگی های بارز موسیقی بیرونی غزلیات فروغی
۴۶	موسیقی کناری
۴۹	ردیف
۵۱	نقد ردیف
۵۳	قافیه
۵۴	حروف و حرکات قافیه
۵۶	عیوب قافیه
۵۷	تکرار قافیه
۵۹	قافیه بدیعی
۶۰	ویژگی های بارز موسیقی کناری
۶۰	موسیقی میانی (درونی)
۶۴	تکرار
۶۷	سجع
۶۸	ویژگی های بارز موسیقی میانی در دیوان فروغی
۶۹	موسیقی معنوی
	تضاد

۷۱	تناسب (مراعات نظیر)
۷۴	ایهام
۷۶	تلمیح
۷۷	لف و نشر
۷۸	پارادوکس (متناقض نما)
۷۸	سوال و جواب
۸۰	ویژگی های برجسته ی موسیقی معنوی
۸۳	فصل سوم: رد پای ویژگی های سبک هندی در دیوان فروغی بخش دوم: تحلیل محتوایی
۸۹	فصل اول: بررسی روان شناختی دیوان فروغی
۸۹	غزل عاشقانه
۹۲	غزل عارفانه
۹۵	فصل دوم: تجلی عرفان در دیوان فروغی
۹۵	عرفان
۹۶	شیوه ی کشف و معرفت
۹۸	وحدت وجود
۱۰۰	مراحل سلوک در دیوان فروغی
۱۰۵	کاربرد اصطلاحات و رموز عرفانی در دیوان فروغی
۱۱۰	فصل سوم: بررسی جامعه شناسی

۱۱۳

فصل چهارم : مدح

۱۱۶

نتیجه گیری

۱۱۹

منابع و ماخذ

پیشگفتار:

بی شک فروغی بسطامی در بین شاعران دوره ی بازگشت ادبی دارای جایگاه ویژه ای است . شور و آهنگی که در غزلیات او طنین انداز است باعث شهرت وی در میان شعرای این دوره گردیده است .

پایان نامه پیش رو پژوهشی است به روش کتابخانه ای که با بررسی ساختاری و محتوایی دیوان فروغی سعی دارد پاسخگوی سوالات زیر باشد :

۱- آیا دوره ی بازگشت ادبی را می توان به عنوان یک سبک ادبی در تاریخ ادبیات فارسی به شمار آورد ؟

۲- آیا شیوه ی غزلسرایی فروغی مبتنی بر تقلید صرف از گذشتگان است ؟

۳- آیا ساختار غزلیات فروغی با محتوای اشعار وی در تناسب است یا خیر ؟

۴- مهمترین مختصات سبکی دیوان فروغی بسطامی چیست؟

در این پژوهش با مطالعه ی منابع و مآخذ متعدد ، با ارائه ی تعاریف و نظریه های مختلف از سبک ، به بررسی دوره ی بازگشت ادبی پرداخته شده و در تمام فصول بررسی ساختاری و محتوایی با ذکر شواهدی از دیوان غزلیات (بر اساس تصحیح سعید نفیسی) ویژگی های شعری شاعر را به ترتیب اهمیت بیان کرده ایم ، در آخر هر فصل نیز ویژگی های بارز ی که می توان آن را به عنوان مختصات سبکی شاعر دانست ذکر گردیده است. و در نهایت در حد توان خود به شناختی جامع از فروغی بسطامی به عنوان شاعر دوره ی بازگشت ادبی رسیده ایم، امید که این شناخت دقیق و درست باشد .

کلیات

کلیات

سبک

سبک از نظر لغوی ((گداختن چیزی را بعد از ریختن ، گداختن سیم و جز آن ، ریخته کردن زر و سیم و ... و در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر.))^۱

به طور کلی می توان گفت که سبک وحدتی است که در آثار کسی به چشم می خورد . یک روح یا ویژگی یا ویژگی ها ی مشترک و متکرر در آثار کسی هست ، به عبارت دیگر این وحدت منبعت از تکرار عوامل یا مختصات است که در آثار کسی هست و توجه خواننده دقیق و کنجکاو را جلب می کند .^۲

با توجه به تعاریف مختلفی که از سبک توسط صاحب نظران ارائه شده است می توان آنها را در سه دسته عنوان کلی ۱- نگرش ۲- گزینش ۳- عدول از هنجار ، طبقه بندی کرد

نگرش خاص : سبک حاصل نگاه خاص هنرمند به جهان درون و بیرون است که لزوماً در شیوه خاصی از بیان تجلی می کند . به عبارت دیگر هر دید ویژه ای که در زبان ویژه ای رخ می نماید سبک است ، آری تفکر و احساس نو زبان نو می طلبد . اما تغییر سبک ها را نباید تنها در تغییر زبان دانست . بسیاری از سبک شناسان « موتور » سبک را تغییر و تحولات اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی دانسته اند که منجر به تغییر نحوه ی زندگی و بینش و در نهایت نحوه ی بیان می شوند . در ادبیات ما حوادثی چون روی کار آمدن سلجوقیان ، حمله مغول ، پیدایش صفویه ، انقلاب مشروطیت و ... که باعث تغییرات اجتماعی بوده اند تغییر سبک را به دنبال داشته اند .^۳

برخی از تعاریف سبک بر اساس نگرش خاص :

- تعریف بوفن : ((سبک خود شخص است)) . مراد بوفن این است که سبک هر اثر دقیقاً مبین شخصیت نویسنده ی آن است .
- تعریف امرسون : ((سبک صدای ذهن نویسنده است . یعنی نویسنده همانطور که فکر و احساس می کند ، می نویسد))^۴

یکی از مختصات سبک فروغی در غزلیاتش تضاد بنا نهاده شده است. به گونه ای که می توان گفت غزلیات او بر پایه تضاد است. وقتی به دوره های مختلف زندگی فروغی نظر می کنیم، می بینیم که این شاعر در دوره ی اول، شاعری درباریست و محتوای غزلیات او عشق است. اما در دوره ی دوم به واسطه سفر به عتبات عالیات و استغراق در احوال و آثار عارفانی چون بایزید بسطامی و منصور حلاج تغییر حال داده و زندگی درویشی و گوشه گیری اختیار کرده است. که این سیر تحولات زندگی پیوند سبک هنرمند با شخصیت و روحیات وی را تایید می کند.

گزینش: سبک محصول گزینش (choice) خاصی از واژه ها و تعابیر و عبارات است. نویسندگان مختلف برای بیان یک معنای واحد تعابیر مختلف دارند و از واژه ها و عبارات گوناگون استفاده می کنند و بدین ترتیب بین سبک آنها اختلاف است. بیشتر سبک شناسان بر گزینش ناآگاهانه تکیه کرده اند و گفته اند هر چه نوشته ای آگاهانه تر باشد سبک حقیقی را کمتر نشان می دهد.^۵

بنا به این تعریف شاعران دوره ی بازگشت را نمی توان صاحب سبک دانست. زیرا آنها بنا به تقلید و به طور آگاهانه به گزینش واژه ها و تعابیر شاعران کهن پرداخته اند و آنان را نمی توان شاعرانی نوآور دانست. هر چند که سبک به خودی خود دارای نوآوری است نه مساوی با سنت، گاهی نپذیرفتن سنت ها همان قدر سبک آفرین است که پذیرش و یا تغییر آنها، چرا که سبک می تواند نو، کهنه و یا ترکیبی از این دو به نسبت های مختلف باشد. سبک محصول چگونگی برخورد هنرمند با سنت هاست. در واقع نوآوری در سبک رخ می نماید، ولی سبک تنها در نوآوری پدید نمی آید.^۶

ارسطو - برخلاف افلاطون و پیروانش - معتقد است که سبک خاصیت ذاتی کلام است و هر کلامی را دارای نوعی سبک می داند.

براساس تعریف ((گزینش)) می توان گفت که شاعران دوره ی بازگشت با تاکید بر گزینش آگاهانه به تقلید شیوه قدما پرداخته اند. آنها ادعایی در صاحب سبک بودن خود ندارند بلکه برای گریز از سبک معاصرشان بدان شیوه روی آورده اند.

عدول از هنجار :

سبک حاصل عدول از هنجارهای عادی زبان است. دامنه عدول از هنجارهای متعارف بسیار گسترده است و می تواند هم در زمینه ی دید و معنی باشد و هم در زمینه زبان.^۷ با

توجه به این تعریف سبک ها دست کم نسبت به هنجارهای جاری نو هستند . اگر چه هنجار تعریف ثابتی ندارد بلکه سیال و شناور است و ممکن است با خروج از هنجار یا گرایش به هنجار همراه باشد (مانند دوره بازگشت)^۱ .

درست است که شیوه ی شاعران دوره بازگشت نسبت به کل تاریخ شعر و در مسیر تکامل آن ، نو نیست و تازگی ندارد اما شکل گرفتن این شیوه یعنی کهنه گویی و تقلید از شاعران گذشته نسبت به جریان حاکم در شعر آن دوره (سبک هندی) تازه بود و برخلاف هنجار های عادی زبان آن روزگار شکل گرفته است و لذا عدول از هنجار بوده و سبک محسوب می شود .

تاریخچه و علل پیدایش دوره بازگشت ادبی :

در نیمه دوم قرن دوازدهم شاعرانی چون آقا سید محمد شعله اصفهانی (متولد ۱۱۶۰ ه ق) ، میرزا الباقی طبیب اصفهانی (م ۱۱۶۱ ه ق) ، میرزا سید علی مشتاق اصفهانی (م ۱۱۶۰ ه ق) ، لطفی بیگ آذر بیگدلی (م ۱۱۹۵ ه ق) و سید احمد هاتف اصفهانی (م ۱۱۹۸ ه ق) نهضتی را در شعر فارسی به وجود آوردند و به شیوه ای که از دو قرن قبل رواج یافته بود پشت کردند . آنها مهمترین دلیل این حرکت خود را دور شدن شاعران سبک هندی از شیوه ی بزرگان ادبیات فارسی همچون فردوسی ، سعدی و حافظ می دانستند و معتقد بودند سبک هندی باعث سستی در ارکان شعر و ادب فارسی گشته و آن را از فصاحت و بلاغت دور کرده است . مرکز این حرکت و بازگشت به شیوه ی قدما شهر های اصفهان و شیراز بود و به خاطر اعتقاد آنها به ((بازگشت به شیوه قدما)) دوره ی ((بازگشت)) نام گرفت و شیوه ی آنها تا عصر مشروطیت - آغاز سلطنت مظفرالدین شاه - در شعر و ادب فارسی رایج بوده است و اثر آن در شعر مشروطه نیز تا حدودی دیده می شود و بعد از آن نیز حامیانی داشته است .

جایگاه دوره ی بازگشت به عنوان یک سبک ادبی :

شاعران دوره ی بازگشت از همان آغاز ادعای نوآوری و خلق شیوه ی بیانی جدید در شعر فارسی نداشته اند . بلکه هدف آنها از بین بردن جریانی انحرافی بود که شعر فارسی را به زعم آنها به کج راهه برده بود (سبک هندی) و همچنین احیای شیوه ی بزرگان پیشین ادبیات بود . آنان دوران کهن را همچون بهشت گمشده ای دانسته و در صدد بودند که به روی آن دری بگشایند

دوره ی بازگشت ادبی را از جهات مختلف می توان مورد مطالعه قرار داد : از یک جهت عده ای دوره ی بازگشت را از مقتضیات آن زمان می دانند چرا که پس از هرج و مرج اواخر دوره صفویه و کشمکش های زمان نادر و کریمخان زند ، استقرار نسبی دورره قاجار و آرامش و امنیتی که در فضای کشور پدید آمد ، باعث شد که ادبیات این دوره به تحصیل و تحقیق در آثار پیشینیان و شیوه ی شاعری آنان بپردازد .

عامل دومی که ضرورت ایجاد شیوه بازگشت را ایجاب می کند وضعیت دربار قاجار بوده است . پادشاهان سر سلسله قاجار فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه دارای قریحه شعری بوده و دربار خود را دربار محمودی می پنداشتند . این امر موجب شد شاعران این دوره شاعرانی درباری شوند . آنان خود را همچون شاعران دوره غزنویان می پنداشتند و در پی راه یابی به دربار بودند . ((انجمن خاقان)) نمونه بارز این تکاپو هاست . به دنبال این مسائل بود که دیگر سبک هندی که مهمترین خصوصیتش استفاده از الفاظ عامیانه و کوچه و بازاری است مناسب و سازگار با شعر دربار نبود لذا سخن پردازان به مخالفت با آن برخاسته و به شیوه ی شاعران دوره غزنوی همچون فرخی و عنصری و دیگران بازگشتند .

از کارکرد های مثبت دوره بازگشت می توان به تدبیر و تحقیق در اصول و فنون شعر و ادبیات و یادگیری شیوه ی شعری پیشینیان و باز آموزی سنت های شعری اشاره کرد . ((دوره بازگشت را می توان اوج سنت گرایی خود آگاهانه دانست ، اما این خود آگاهی را نباید به معنی آگاهی و شناخت از سنت گرفت))^۹ . شاعران این دوره هیچ گاه به پای شاعران بنام ادب پارسی نرسیده اند اما همین سنت گرایی آنها باعث حفظ زبان و ادب کهن فارسی شد و زبان شعر را از سستی نجات داد .

سبک بازگشت از جهاتی نیز مورد انتقاد جدی است . صاحب نظران معتقدند شاعران این دوره راه هرگونه نوع آوری را بر خود بسته بودند آنها خود را فراموش کرده و در تقلید از آثار بزرگان ادب فارسی غرق شده بودند بدین ترتیب که ملاک برجستگی و استادی یک شاعر این

بود که بهتر از پس این تقلید بر آید و از این جاست که گروهی از صاحب نظران ((بازگشت)) را اصلاً سبک نمی دانند و با عنوان ((دوره بازگشت)) از آن یاد می کنند .

((بازگشت یک سبک خاص نیست بلکه بازگشت به همه ی سبک ها بجز هندی است . آنها سخت می کوشیدند تا هر چه بیشتر به سرمشق های خود شبیه شوند و اگر بتوانند همه ی عناصر و ویژگی های آنان را در موضوع ، محتوا ، زبان ، آهنگ ، شکل و عاطفه و صور خیال تقلید و بازسازی کنند . اما در این میان فراموش می کردند مهمترین ویژگی آنها را تقلید کنند و آن نوآوری آنهاست))^{۱۰}

گروهی نیز مکتب بازگشت را جریانی رو به جلو در ادبیات نمی دانند بلکه آن را ((دَوْران)) می خوانند و گاهی نیز بازگشت را در مسیر کمال ادبیات نمی دانند .

انتقاد دیگری که بر مکتب بازگشت می توان گرفت آن است که شاعران این دوره در خدمت مردم زمانه و شاعر زمان خویش نبوده اند . اوضاع اجتماعی و تغییر و تحولات و پیشرفت هایی که در زمان این شاعران صورت گرفته است نمودی در شعر آنها ندارد . در دوره صفویه که رابطه با کشورهای خارجی و اروپا گسترش یافت و در داخل ایران نیز پیشرفت هایی در زمینه های مختلف به وجود آمد. شعرا سر در دیوان گذشتگان فرو برده بودند و نه نگاهی به جامعه ی پیرامون خود می انداختند و نه از ارتباطی که با کشورهای دیگر پدید آمده بود تاثیر می پذیرفتند .^{۱۱}

به طور کلی مکتب و دوره ی بازگشت را نباید یک سوپیه (با دید کاملاً مثبت یا صرفاً منفی) نگاه کرد بلکه باید آن را دوره ای در شعر و ادبیات دانست که با وجود نقطه ضعف ها و ویژگی های منفی ای که دارد فواید مثبتی را نیز برای شعر و ادب فارسی داشته است . در واقع بازگشت را می توان نوعی تدبیر و چاره جویی دلسوزان زبان و ادب فارسی برای نجات شعر از سستی و زوال و انحراف از مسیر درست پیشینیان به شمار آورد .

وضع شعر و ادب در دوره قاجار :

آغاز دوره ی سرخوردگی از سبک هندی و پیچیدگی ها و مضمون تراشی های بیش از حد این سبک را از زمان مرگ نادر باید دانست . دوره ی بازگشت از آن زمان شروع شده و تا دوره مشروطیت - آغاز سلطنت مظفرالدین شاه - ادامه داشته است . اما از آنجا که فروغی بسطامی که در این تحقیق مورد نظر است در دوره قاجار می زیسته ، تمرکز نگارنده بر برهه ی زمانی اول دوره قاجار است و وضعیت شعر در دوره ی قاجار مورد بررسی قرار می گیرد .

در سده ی سیزدهم هجری با استقرار و محکم شدن پایه های حکومت قاجاریه صلح و آرامش نسبی بر ایران سایه افکند . مردم بعد از کشمکش های دوره های قبل توانستند نفس راحتی بکشند . برقراری امنیت نسبی در ایران باعث ابتکار و نوآوری در شعر و ادبیات آن دوره نشد . اما در عوض عادات و رسوم گذشته ی ادبیات را زنده ساخت . شاهان و شاهزادگان قاجار و وزرای چون قائم مقام فراهانی که خود اهل فضل و کمال بود به تشویق شاعران می پرداختند . از میان شاهان قاجار فتحعلی شاه بیشتر از سایرین به شعر و شاعری بها داده است . او با وجود بی لیاقتی در مسائل سیاسی و کشور داری ، دارای ذوق و قریحه ی شعری بود و با تخلص ((خاقان)) شعر می سروده است . او در دوره ی پادشاهی خود در پی تجدید زندگانی درباری روزگاران گذشته بخصوص دوران محمودی بود در نتیجه دربار او محل تجمع ده ها شاعر بود که هر کدام در پی کسب آوازه و شهرت درباری بودند و حلقه اتصال این شاعران ملک الشعرای دربار ((صبای کاشانی)) بود. آنها در حماسه سرایی فردوسی ، در قصیده فرخی و منوچهری و... و در غزل سعدی و حافظ را سرمشق خود قرار داده بودند . مبنای کار این شاعران بدون اینکه احساس و اندیشه آنها ذاتی باشد بر تقلید بود . اشعار این دوره با وضع و حوادث روزگار و اجتماع آن دوره مناسبتی ندارد . درست است که وظیفه ی شاعر این نیست که شعر را در خدمت اجتماع قرار دهد اما به عنوان عضوی از جامعه باید شاعر زمانه ی خود باشد اما شعر این دوره با زمانه خود فاصله داشته است .

موضوع شعر در دوره بازگشت :

موضوع اشعار دوره بازگشت ادبی بخصوص اوایل این دوره متنوع می باشد . شعر این دوره را می توان به اشعار مذهبی ، عرفانی ، مدیحه و حماسی تقسیم کرد :

الف) اشعار مذهبی : اشعاری که در ستایش خداوند و مدح و منقبت حضرت رسول و امامان شیعه می باشند و بیشتر در قالب قصیده و ترجیع بند سروده شده اند. مشتاق ، صبا بیگدلی ، وصال و یغما از جمله ی شاعرانی هستند که در زمینه ی مذهب شعر سروده اند .

ب) اشعار عرفانی: در شعر دوره بازگشت مضامین عرفانی و کاربرد اصطلاحات صوفیانه و مراتب سلوک نیز وجود دارد هر چند عرفان این دوره با عرفان سده های پیشین تفاوت دارد و اساس این عرفان تقلید است نه اندیشه های شخصی خود شاعر . اما مواردی وجود دارد که حاصل شور و گرایشات عرفانی خود گوینده است . حاج ملا هادی سبزواری ، صفای اصفهانی ، وصال و هاتف شیرازی و فروغی بسطامی از جمله شاعرانی هستند که عرفان و اصطلاحات صوفیه در اشعارشان نمود یافته است.

ج) اشعار مدحی و درباری : این اشعار را باید بیشتر در دوره ی پادشاهی فتحعلی شاه جستجو کرد . زیرا در دوره ی صفویه پادشاهان به صورت آشکارا به مخالفت با شعر دربار برخاسته بودند و این نوع شعر در آن روزگار رونقی نداشته است و شاعران مدح به هندوستان و دربار پادشاهان آن سامان پناه برده بودند . نادر نیز چندان به شعر و شاعری توجهی نداشت . دوره کریمخان هم شعر مدح رونق زیادی نگرفت . در زمان فتحعلی شاه بود که بازار شعر دربار و مدح رونق گرفت چرا که خود شاه دستی در شعر داشت و دربار خود را محل تجمع شاعرانی چون صبا ، مجمر ، قائم مقام ، نشاط ، سحاب و دیگران کرده بود . البته بعد از فتحعلی شاه در دوره ی ناصری نیز همچنان شعر دربار و مدح از رونق نیفتاد بلکه شدت بیشتری گرفت .

شعرا ی بنامی چون سروش ، محمود خان ، ملک الشعراء(صبا ی کاشانی) و فتحعلی خان شیبانی در نزد ناصر الدین شاه دارای احترام بودند و این امر موجب شد که شاعران برجسته دوره ناصری هم به دربار شاه و یا شاهزادگان در بلاد دیگر روی آورند و طبیعتاً بازار شعر گرمتر شد .^{۱۲}

د) اشعار حماسی : منظومه های حماسی با توجه به موضوع و محتوا به انواعی چون اساطیری ، پهلوانی ، تاریخی و دینی تقسیم می شوند. ((در دوره ی بازگشت حماسه ی اساطیری و پهلوانی وجود ندارد . اما حماسه های تاریخی و دینی قابل ملاحظه ای تالیف شده است))^{۱۳} .

حماسه های تاریخی چون ((شهنشاه نامه ی صبا)) از فتحعلی خان صبا که در شرح جنگ های عباس میرزا و روسیه در بحر متقارب سروده شده است و حماسه های دینی مانند ((خداوند نامه)) اثر همان مولف با موضوع پیامبری حضرت محمد (ص) و شرح حال حضرت علی (ع) و جنگ های صدر اسلام و نیز ((اردیبهشت نامه)) سروش اصفهانی با موضوع زندگی پیامبر نمونه اشعار حماسی دوره بازگشت می باشند .

قالب های شعری در دوره ی بازگشت :

در زمینه قالب های شعری دوره ی بازگشت نیز ابتکار و نوآوری خاصی دیده نمی شود . قصیده ، غزل ، مثنوی ، قطعه ، رباعی ، دو بیتی و مستزاد قالب های شعری است که در این دوره مورد توجه شاعران قرار گرفته است که در میان آنها قصیده و غزل از بیشترین اقبال برخوردار دارد . قصیده ی این دوره به تقلید از بزرگانی چون منوچهری ، عنصری ، انوری و خاقانی و غزل این دوره نیز به تقلید از حافظ و سعدی شکل گرفته است . دکتر سیروس شمیسا در کتاب سیر غزل در شعر فارسی درباره ی این دو قالب شعری چنین می گوید :

((غزل در دوره ی بازگشت را نباید همراه قصیده قضاوت کرد و به حکم تقلید و عدم ابتکار مطرود شمرد . بلکه غزل این دوره (برخلاف قصیده که تقلیدی محض است) غزلی است که از صافی قرون ، گذشته ، صاف و زلال شده است و به طور خلاصه و با کمتر مسامحه چکیده و گزیده ی غزلیات قبل از خود است . تنها چون الگوی قبلی در ذهن خواننده است نمی تواند نسبت به این غزل ها چنان که باید و شاید تمایل نشان دهد بزرگترین عیب این غزلیات این است که تلمیحات و تشبیهات و استعارات تازه ندارند))^{۱۴}